

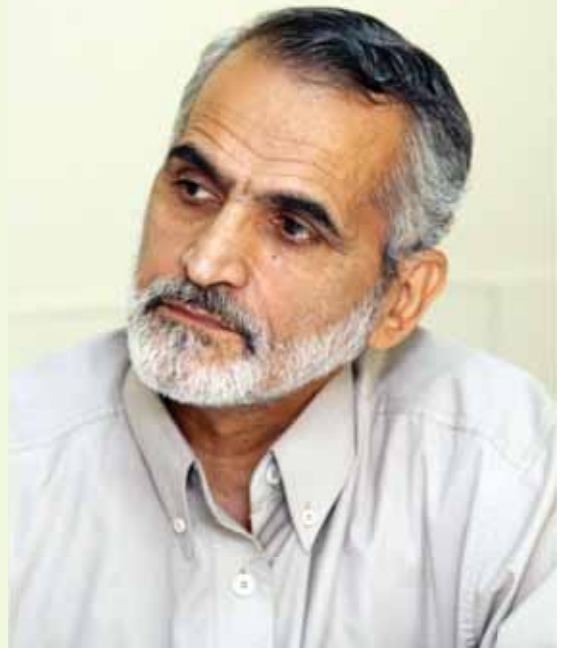


خدمتگذار کودکان

با مرتضی طاهری از شروع شکل‌گیری مجله رشد پیش‌دبستان آشنا شدم. در سال ۱۳۸۷ اینجانب به عنوان سردبیر مجله رشد پیش‌دبستانی از حضور ایشان در جمع اعضای هیئت تحریریه خرسند شدم. از ابتدا او را انسانی معتمد، صادق و منظم یافتم. مشورت با ایشان دلپسند است و نگاه بسیار مثبتی به دوره پیش از دبستان و کودکان خردسال دارند. در حوزه کار با کودکان ایشان را انسانی علاقه‌مند دیدم. در سال‌های حضور ایشان در کنار دیگر اعضای هیئت تحریریه مجله کلیه همکاران از وجودشان فراوان بهره برده‌اند. چهره همیشه بشاش، پذیرا و مهربان ایشان خاطره خوب من از ایشان را کفایت می‌کند. سلامتی و موفقیت بیشترشان آرزوی ماست. چه بهتر که سال‌ها خدمت صادقانه ایشان از زبان خودشان خوانده شود.

در ادامه، بخشی از زندگی‌نامه (خودنوشت) مرتضی طاهری را که بیشتر به پیشینه کاری وی مربوط می‌شود، می‌خوانید.

سردبیر



اینجانب در پگاه دهم آذرماه ۱۳۳۰ در شهر تهران دیده به جهان گشودم. در ۴ سالگی (تابستان ۱۳۳۴) در یک دوره کوتاه مدت تابستانی مشتمل بر تاب‌بازی و گرگم به هوا، و بازی‌ها و نمایش‌های شیرین کلاسی، مثل دور و نزدیک که یافتن اشیاء پنهان شده توسط مربی بود، شرکت کردم و گاهی با زغال بر روی مقوا (کارتن‌های لوازم و...) کلماتی مثل آب و بابا می‌نوشتیم. چهار سال اول دوره ابتدایی را در دبستان ۲۱ آذر تهران‌نوطی کردم که از آن دوران چند خاطره به یادماندنی دارم. نخست: هم‌زمانی پایه سوم دبستان ما با اعتصاب معلمان به‌خاطر کمی حقوق و کشته شدن یکی از معلمان اعتصابی به دست مأموران کلانتری میدان بهارستان است، که منجر به اعتصاب سکوت آموزگاران شد و من به علت پاسخ دادن به سؤال هم‌شاگردی کناری‌ام چنان سیلی محکمی از آقا معلم خود دریافت کردم که هنوز پس از ۶۲ سال سنگینی آن را در گوش خود حس نموده، از سمعک استفاده می‌کنم!

خاطره دیگر اینکه در پایه چهارم دبستان - شاگرد ممتاز شدم و به‌عنوان شاگرد اول روی سکوی افتخار ایستادم. از آن پس، یکی از هم‌کلاسی‌هایم که به شدت احساس شکست و حقارت می‌کرد، مرا مورد اذیت و آزار قرار می‌داد! پس از طی دوره‌های ابتدایی و دبیرستان که اغلب حائز رتبه اول می‌شدم (غیر از سال آخر متوسطه که به علت بیماری آپاندیسیت و عمل جراحی در ایام امتحانات) در سال ۱۳۴۹ برای ورود به دانشگاه در کنکور سراسری (که ظاهراً اولین سال برگزاری آن به این سبک بود، شرکت کردم که به عللی قبول نشدم. بنابراین، برای طی دوره خلبانی، در آزمون ورودی نیروی هوایی ثبت‌نام کردم که با وجود قبولی در آزمون و مصاحبه، به علت عمل جراحی مزبور از پذیرش در رشته مورد علاقه‌ام محروم

و در رشته مهندسی وارد آن حوزه شدم. پس از طی دوره آموزش نظامی عمومی در تهران، لشکرک و بروجرد، با درجه ممتاز، حدود هفت سال با کار در ساخت و سازهای مهندسی نظامی در اقصی نقاط کشور انجام وظیفه کردم. در اواخر سال ۱۳۵۶ به عللی، از جمله مشاهده تخلفات فنی و مالی کلان وابستگان رژیم پهلوی در ساخت و ساز اماکن نظامی و نیز وقوع قیام‌های مردمی در استان‌های کشور علیه رژیم فاسد وقت، از خدمت در نیروی هوایی استعفا دادم و با پذیرفته شدن استعفایم در خرداد ۵۷، در یک مؤسسه فنی ساختمانی که مراکز فرهنگی و بهداشتی در تهران احداث می‌کرد، شروع به کار کردم و هم‌زمان، پس از ۸ سال وقفه در تحصیل، خود را آماده ورود به دانشگاه نمودم. در همان سال (۱۳۵۷) در دوره شبانه دانشکده معماری دانشگاه علم و صنعت ایران پذیرفته شدم و شروع به تحصیل کردم که با تشدید حوادث انقلاب فرهنگی و پس از آن، تعطیل دانشگاه‌ها مصادف شد. در این دوران سال ۱۳۶۰ پس از طی دوره امدادی یک ماهه در هلال احمر، عازم جبهه‌های جنوب شدم و مدتی در حوالی هویزه به امداد پزشکی رزمندگان پرداختم. در سال ۶۱ به تأکید برخی دوستان، به جرگه فرهنگیان منطقه ۳ تهران پیوستم و کار خود را در دبیرستان شهداء (رازی) با تدریس برخی دروس علوم انسانی و فعالیت‌های فوق برنامه در آموزش و پرورش آغاز کردم.

در سال ۶۲ با بازگشایی دانشگاه‌ها به تحصیل ادامه دادم که در نهایت، در سال ۶۷ موفق به دریافت مدرک کارشناسی معماری شدم؛ این در حالی است که فرصت استفاده از نتایج تحصیل در این رشته را نیافتم. در سال ۱۳۶۳ پس از مدتی خدمت در بخش امور پرورشی در منطقه ۳، به ادامه کار در بخش متوسطه پرورشی اداره کل آموزش و پرورش استان تهران فرا خوانده شدم که حدود ده سال ادامه یافت. هم‌زمان، مدتی نیز به‌صورت نیمه‌وقت در بخش گردآوری خاطرات یاران در دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی مشغول به کار بودم. در سال ۱۳۷۳ به امور تخصصی فرزندان شاهد و یادمان‌های بنیاد شهید مأمور و در سال ۱۳۷۶ با واگذاری حوزه معاونت پرورشی آموزشی شهر تهران از بنیاد شهید بازگشتم و در این فاصله، با تحصیل در رشته مدیریت آموزشی موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد شدم. در سال ۱۳۸۰ مسئولیت سازمان دانش‌آموزی شهر تهران به این جانب واگذار شد.

در سال ۱۳۸۶ به دفتر تألیف کتب درسی منتقل شدم و کار خود را در گروه پیش‌دبستانی این دفتر آغاز کردم و هم‌زمان نیز از سال ۱۳۸۷، در فصلنامه رشد پیش‌دبستان با سردبیری سرکار خانم دکتر فرخنده مفیدی که من به عنوان عضو هیئت تحریریه با ایشان همکاری داشته‌ام. پس از ۸ سال خدمت در این حوزه و حدود ۳۵ سال کار در ۶۴ سالگی به افتخار بازنشستگی نائل آمدم و در حال حاضر نیز به‌صورت مقطعی و افتخاری با این بخش همکاری دارم.

